Archive of SID

فصلنامهٔ مطالعات شبه قاره
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دوم، شمارهٔ پنجم، زمستان ۱۳۸۹
(صص۱۲۴-۱۰۱)

دکتر محمد امیر مشهدی*
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
دکتر عبدالله واثق عباسی **
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
محمد رضا مشهدی ***
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

حافظ و غالب

چکیده

شعر آسمانی حضرت حافظ، شعری فرازمانی و فرا مکانی است. در واقع نفوذ سخن جادوانه و جاودانه ی این رند عالم سوز را در آثار اغلب غزل سرایانی که بعد از او به عرصه ی ترانه و غزل گام گذارده اند به روشنی می توان دید. وسعت و عمق این تأثیر در شبه قاره، دارای پیشینه ای طولانی است و بیـدل دهلوی، صائب، کلیم، اقـبال لاهوری، نظیری، عـرفی، ناصر علی سرهندی، ریاض خیرآبادی، جگر مراد آبادی، واله داغستانی و... از او تأثیر پذیرفته اند.

این پژوهش برآنست که اثبات کند: ۱. شعر همه شاعران سبک هندی در نازک خیالی و مضمون آفرینی به افراط کشیده نشده است. ۲. زمینه ی بازگشت به غزل سبک عراقی به ویژه غزل حافظ و سعدی از درون خود سبک هندی فراهم آمده است. همچنان که غالب دهلوی از این دسته از شاعران است. در این مقاله میزان تأثیر پذیری غالب از

* Email: mohammad amir mashhadi@yahoo.com
**Email: vacegh@yahoo.com
***Email:farin_m@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۵ تاریخ پذیرش:۱۳۸۹/۱۰/۸

www.SID.ir

Archive of SID

خواجه‌ی شیراز در ابعاد مختلفی چون: زبان، اسلوب بیان، واژگان، ترکیب سازی، تصویر آفرینی و زیبایی های بدیعی و بیانی، عروض و آهنگ شعر، طرز تفکّر، اندیشه های حکْمی، فلسفی، اجتماعی، مضامین و مشرب عرفانی با روش تحلیل مقایسه ای مورد واکاوی و ارزیابی قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: حافظ، غالب، غزل، ادب، ایران، هندوستان.

مقدمه

بسیار روشن است که ریشه های مشترک فرهنگی ایران و هند به دوران اساطیر و مهاجرت آریائیان به این دو سرزمین باز می‌گردد.«دو ملّت ساکن سرزمین ایران و هند از دیر باز با یکدیگر رابطه ی فرهنگی و حُسن همجواری داشته و زبان و نژاد آنان از جهاتی ریشه ی مشترک و منشأ واحدی دارد. بنابراین تأثیر و تأثّر این دو فرهنگ از یکدیگر امری طبیعی و بدیهی است. نمونه ای از این پیوند، آوردن کتاب کلیله و دمنه از هند، در دوره ی حکومت سلسله ی ساسانی است و پس ازآن‌هم پیوندهای گسترده تر و پویاتر، در دوره ی اسلامی، و اخذ و اقتباس آثار علمی و فرهنگی فراوانتر». (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۱) واضح است که در گذر زمان این وابستگی های عمیق فرهنگی در همه ی شئون زندگی آنان بازتاب یافته است و این معنا را به گونه ای آشکار به ویژه در هنر و ادب ایران و هند می توان بازجست.

«زبان شیرین فارسی مقارن با ورود غزنویان به شبه قاره راه یافت و در آن زمان به عنوان زبان درباری و رسمی برگزیده شد و این موقعیت همچنان تا دوره های بعد: «غوریان»،«سلاطین دهلی» (خلجی، تغلق، سادات و لودی)، «سلاطین گورکانی» (از قبیل بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاهجهان، اورنگ زیب عالمگیر و بهادر شاه ظفر) ادامه داشت». (مؤذّنی، ۱۳۸۱: ۱۳۶)

رواج و نفوذ زبان شیرین فارسی در دیگر سرزمین ها آرام آرام افق های گسترده ای را فراروی دوستداران شعر وادب فارسی گشود.

www.SID.ir

Archive of SID

«این حقیقت به همگان آشکار است که دربار شـــاهان هنـدوستان، همواره حامی زبان و ادبیـات فارسی بوده است. فارسی، زبان رسمی دربار شمرده می شد که در نتیجه تعداد زیادی از دانشمندان و شُعَرا، وابسته به دربار بوده و در رشته های مربوط به خود خدمات علمی و ادبی انجام دادند». (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱)

شرح حال غالب

«میرزا اسد الله خان نجم الدوله دبیرالملک متخلّص به غالب ابن عبدالله بیگ خان شاعر و نویسنده و محقّق مسلمان هندی (ولادت ۱۲۱۲ هـق/۱۷۹۶ میلادی وفات ۱۲۸۵ هـق/۱۸۶۹ میلادی) است. اصل او از توران است و نیاکان او تُرک ایبک بودند». (جان نثاری، ۱۳۷۸: ۲۴)

«پدر وی عبدالله بیگ خان و مادرش عزّت النساء بیگم نام داشت و دختر یکی از بزرگان آگره بود. او خود را ترک نژاد می دانست و نَسَب خویش را به افراسیاب و پشنگ پیوند می داد.». (حائری، ۱۳۷۷: ۱۷)

غالب در پنج سالگی پدرش را از دست می دهد و عمویش سرپرستی او را عهده دار می شود که متأسّفانه در نُه سالگی عمویش نیز از دنیا می رود.

«او زندگی زناشوئی رنج آوری را گذراند. سیزده ساله بود که ازدواج کرد، و با وجودی که صاحب هفت فرزند گشت هیچ یک از آن فرزندان بیش از پانزده ماه زنده نماند. سفرهای او به دهلی، کلکته، رام پور، نیز دیگر ناآرامی های زندگی وی را نشانگر است. مهاجرت او به دهلی زندگی مشقّت بار او را نمایان تر نمود...»(حائری، ۱۳۷۱: ۱۲و۱۱) مرگ فرزند خواند، جنون و مرگ برادر و به زندان افتادن به سبب قرض و وام در پریشان خاطری اوبسیار نقش داشته است.

«رحلتش در ۱۲۸۵، بعد از هفتاد و شش سال عمر، در دهلی اتفاق افتاده و دربقعه ی نظام الدین اولیا مدفون شده است». (دیوان‌بیگی‌شیرازی، ۱۳۶۵: ۱۲۵۴)

www.SID.ir

Archive of SID

آثار غالب

غالب در زمینه های تذکره نویسی، لغت نامه نویسی، امثال و حِکَم و داستان نویسی مهارت داشته و از اشِراف او به داستان های قدیم و حکایات پیامبران و شاهان پیداست که تا چه پایه اهل فضل و کمال بوده است.

«آثار او در نظم فارسی چنین است: کلیات نظم فارسی، سبد چین، سبد باغ دو در، دعاءالصباح، رساله ی فن بانگ ؛ و در نثر فارسی چنین: کلیات نثر فارسی (شامل پنج آهنگ، مهر نیمروز و دستنبو)، قاطع برهان، درفش کاویانی، مآثر غالب، متفرقات غالب.» (حائری، ۱۳۷۱: ۱۴) کلیات غالب شامل ۷۱ قصیده و ۳۳۴ غزل و ۱۲ مثنوی و تعدادی قطعه و رباعی و ترکیب بند و یک ترجیع بند است. «کلیات اشعار فارسی او نیز چندین چاپ خورده و در جهان فارسی دانان متداول است؛ ولی متأسّفانه همه ی چاپ ها مغلوط و بدون هیچ تصحیح و انتقاد درستی بیرون آمده است.» (نعمانی، ۱۳۸۵: ۲۹۳) از غالب آثاری به نظم و نثر به زبان اردو باقی مانده است.

مثنوی های غالب: « غالب را ۱۲ مثنوی است که مجموع ابیات آن ها ۲۰۵۷ بیت می گردد. ازجمله زیباترین مثنوی های او، چراغ دیر، باد مخالف یا آشتی نامه، حمد باری تعالی، ابرگهربار، مغنی نامه و ساقی نامه است».(حائری،۱۳۷۱: ۱۴)

سبک شعری غالب

غالب از سرآمدان و خیال بندان و نازک خیالان سبک هندی بوده و شعر او سرشار از ترکیب های تازه، تلمیحات و اشارات قرآنی و قصص و اخبار و اصطلاحات اسلامی است.

«او را باید غزلسرای برجسته‌ای در شیوه هندی بشمار آورد و شاید بزرگترین سخنوری باشد که از قرن سیزدهم به بعد در شبه قاره هند غزل سروده است». (شفیعی کدکنی، ۱۳۴۷: ۲۶)

www.SID.ir

Archive of SID

با توجّه به آنچه که در این پژوهش خواهد آمد، تأیید می شود که شعر غالب در غزل در بیشتر موارد دارای سبکی آسان و به دور از ابهامات و پیچیدگی های ویژه ی سبک هندی است.

«سبک نگارش او زیبا و بلیغ و مشحون از احساسات و به گوش خوش آیند است. تنها چیزی که بر آن می توان خُرده گرفت این است که وی آثار فارسی خود را به زبان مشکل ادبی به رشته ی تحریر در آورده است؛ ولی با وجود این بسیاری‌از اشعارش را به سبکی واضح و آسان پرداخته است».(دهخدا،۱۳۷۳: ۱۴۶۰۵)

«سبک شعری او سبک هندی است و پیرو شاعرانی چون خواجه حسین ثنایی(م۹۹۲)، عُرفی شیرازی (م۹۹۹)، کلیم کاشانی(م۱۰۶۱)، میرزا جلال اسیر(م۱۰۶۹)، صائب تبریزی (م۱۰۸۰)، جویای تبریزی(م۱۱۱۸) و سبک وقوع مثل: بابا فغانی شیرازی(م۹۲۵)، میرزا شَرَف جهان قزوینی(م۹۶۲)، وحشی بافقی(م۹۹۱) است». (جان نثاری، ۱۳۷۸: ۲۴)

غالب در غزل هایش بیشتر از همه از ظهوری و نظیری یاد می کند، به حزین نیز توجه داشته است. از شیوه ی غزلسرایی ظهوری که بگذریم با اطمینان می توان ادّعا نمود که نظیری و حزین از شاعران معتدل سبک هندی و از پیروان شیوه ی غزلسرایی حافظ به شمار می آیند؛ زیرا علاوه بر آن که دو شاعر به پیروی خود از حافظ معترفند با بررسی و دقّت در شعر حزین و نظیری به تأثیرپذیری آن هاازحافظ رسیده ایم و در این مورد با غالب مشترک اند.

غالب و حافظ

اگر نخستین جرقه های غزل فارسی را در دوران شهید بلخی و رابعه بنت کعب قزداری بدانیم، غزل فارسی در طول عمر هزار ساله ی خویش اگرچه افُت و خیزهای فراوان داشته، امّا به عنوان درخشان ترین و دوست داشتنی ترین قالب شعر پارسی، جایگاه خود را حفظ کرده است.

www.SID.ir

Archive of SID

بدون تردید حضرت حافظ، سیمرغ قلّه ی قاف غزل فارسی است و هنوز بدرود حیات نگفته بود که شعر شیرینش اقالیم فارس، عراق، تبریز و بغداد را زیر نگین آورده و حدیثِ سحْر فریبش از حدّ مصر و چین فراتر رفته و به اطراف روم و ری رسیده بود.

«از منظر نقد و بررسی یکی از ویژگی های مهم کلام غالب این است که اشعار وی با اشعار شعرای بزرگی همچون حافظ و بیدل قابل قیاس و مقایسه است».(المغنی، ۱۳۸۰: ۱۶۷) به نظر نمی رسد که غزل های غالب با غزل های بیدل که دارای نازک خیالی و مضمون آفرینی بسیار و داری ابداع واژگانی و ترکیب سازی است، قابل مقایسه باشد؛ ولی این پژوهش به اثبات می رساند که غزل های غالب با غزل های حافظ در چهار بخش: الف- تأثیر پذیری غالب از حافظ در وزن و موسیقی ب- تأثیر پذیری غالب از حافظ در محور واژگانی و ترکیب سازی ج. تأثیر پذیری غالب از حافظ درمحور اندیشه و عاطفه د. تأثیر پذیری غالب از حافظ در محور تصویرسازی و زیبایی های ادبی قابل مقایسه است.

با توجه به این که درباره ی غزل حافظ شیرازی و غالب دهلوی در جنبه های مختلف موسیقی، زبانی و واژگانی و آفرینش های هنری و درونمایه های شعری پژوهشی جامع انجام نشده، سعی شده است در این مقاله به جنبه های فوق الذکر شعر آن دو به طور کامل پرداخته شود.

الف- تأثیر پذیری غالب از حافظ در وزن و موسیقی

غالب در بسیاری از غزل هایش به استقبال غزل های حافظ رفته که فقط به سه بخش از آن ها اشاره می رود و از ذکر نمونه های دیگر که وجه اشتراک کمتری دارند به سبب جلوگیری از اطاله ی کلام پرهیز می شود. مثلاً در غزلهای غالب دهلوی غزل هایی وجود دارد که در وزن با غزل حافظ مشترکند؛ ولی در قافیه و ردیف یکسان و مشترک

www.SID.ir

Archive of SID

نیستند. بلکه نزدیکی و شباهت دارند یا در قافیه و ردیف یکسانند، ولی در وزن مشابهت دارند. بنابراین در بخش «الف» مطلع غزل هایی ذکر شده است که هم در موسیقی بیرونی و هم در موسیقی کناری بطور کامل (قافیه و ردیف) یکسانند. در بخش «ب» مطلع غزل هایی ذکر شده که در وزن و موسیقی بیرونی یکسان و جزئی از موسیقی کناری یعنی ردیف یکسان است. در بخش «ج» مطلع غزل هایی ذکر شده است که در موسیقی بیرونی و جزئی از موسیقی کناری یعنی قافیه مشترکند. برای آنکه میزان تأثّر غالب دهلوی را از حافظ بهتر و دقیق تر نمایانده شود در آغاز استقبال های غالب و مطلع غزل هایش که به پیروی از حافظ سروده شده، ذکر می گردد. لازم به توضیح است عدد سمت چپ ابیات و ترکیبات بیانگر شمارهٔ غزل دیوان حافظ و غالب می باشد:

الف– غزل های هم وزن، هم قافیه و هم ردیف

۱–وزنِ فعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعلُن (فَعِلان، فع لن، فع لان) بحر رمل مثمّن مخبون محذوف (مقصور، اصلم، اصلم مسبّغ)

حا:در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

(حافظ، ۱۳۶۹: غ ۱۷۳)

غا:دیگـر ازگـریه به دل رسم فغان یـادآمـد

رگ پیمـانه زدم شیشـه بـه فـریاد آمـــد

(غالب، ۱۳۷۶: غ ۱۳۹)

حا:دوش‌درحلقه ی‌ما قصه‌ی‌گیسوی‌تو بود/غا:دوش کزگردش‌بختم‌گله ازروی‌تو بود

حا:ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر/غا:ای دل از گلبن امیـّد نشـانی به من آر

حا:دوش وقت سَحَر از غصّه نجاتم دادند/ غا:مـژده ی صبح درین تیره شبانم دادنـد

۲– وزن مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (فاعلان) بحر مضارع مثمّن اخرب مکفوف محذوف (مقصور)

حا:ساقی به نور باده برافروز جام ما(۱۱) غا:جز دفع غم زباده نبودست کام ما(۴۴)

www.SID.ir

Archive of SID

و در بیت پایانی گوید:

حا:دردم از یارست و درمـان نیـز هم(۳۶۳)

غا:درد ناسـازست و درمان نیـــز هم(۲۷۴)

حا:ماراز خیال تو چه پروای شراب‌است(۲۹)

غا:هم‌وعده و هم منع زبخشش چه‌حساب است(۷۱)

۳- وزن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فَعِلُن (فَعِلان، فع لن، فع لان) بحر مجتث مثمّن مخبون محذوف (مقصور، اصلم، اصلم مسبّغ)

حا:رواق منظر چشم من آشیانه‌ی تست(۳۴) غا:نشاط معنویان از شرابخانه‌ی تست(۱۰۳)

حا:اگرچه‌عرض‌هنرپیش‌یاربی‌ادبی‌ست(۶۴)غا:ظهوربخشش‌حق‌راذریعه‌بی‌سببی‌ست(۱۰۲)

۴- وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن بحر هزج مثمّن سالم

حا:بتی‌دارم‌که‌گِردِگُل زسنبـل سایبان‌دارد(۱۲۰)

غا:به‌ذوقی‌سرزمستی‌درقضای‌رهروان دارد(۱۷۴)

حا:اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل‌مارا(۳)

غا:نمی‌بینم در عالم نشاطی کاسمـان ما را(۶)

ب- غزلهای هم وزن و هم ردیف و تفاوت قافیه

۱- وزن مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (فاعلان) بحر مضارع مثمّن اخرب مکفوف محذوف (مقصور)

حا:آنـان کـــه خـــاک را بـــه نظر کیمیا کنند (۱۹۶)

غا:آنـــان کـــه وصـل یـــار همـی آرزو کنند(۱۳۴)

حا:خوشترزعیش و صحبت‌و باغ و بهارچیست (۶۵)

غا:با من‌که عاشقم سخن از نـام و ننگ چیست (۹۴)

دیگر موارد:

حا: ۲۲۵/ غا: ۱۲۷، ۱۳۵

www.SID.ir

Archive of SID

حا: ۱۳۳/ غا: ۱۷۳

حا: ۳۵۱/ غا: ۲۶۹

۲- وزن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فَعِلُن (فَعِلان، فع لن، فع لان) بحر مجتث مثمّن مخبون محذوف (مقصور، اصلم، مسبّغ)

حا:خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت (۱۶)

غا:خوشم که چرخ به کویِ توام ز پا انداخت(۱۰۵)

حا: دلی‌که غیب نمای ست و جام جم دارد (۱۱۹)

غا: دماغ اهل فنا نشئه ی بلا دارد (۱۶۱)

غا: نقابدار که آیین رهزنی دارد (۱۶۲)

۳- وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان) بحر رمل مثمّن محذوف (مقصور)

حا:دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما (۱۰)

غا:چون عذار خویش دارد نامهٔ اعمالِ ما(۴)

حا:بر نیامد از تمنّای لبت کامم هنوز(۲۶۵)

غا:با همه گم گشتگی خالی بود جایم هنوز(۲۰۴)

ج- غزل های هم وزن و هم قافیه و تفاوت ردیف

۱- وزن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فَعِلُن (فع لان) بحر مجتث مثمّن مخبون محذوف (اصلم مسبّغ)

حا:مقام امن و می بی غش و رفیق شفیق(۲۹۸)

غا:به گونه می نپذیرد ز همدگر تفریق (۲۳۱)

حا:غلام نرگس مست تو تاجدارانند (۱۹۵)

غا:بتانِ شهرِ ستم پیشه شهریارانند (۱۵۹)

۲- وزن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعِلُن (فع لن) بحر رمل مثمّن مخبون محذوف (اصلم)

www.SID.ir

Archive of SID

حا:از سر کوی تو هر کو به مـلامت برود(۲۲۲)

غا:تـاجر شـوق بدان ره به تجـارت نرود (۱۸۶)

حا:مژدهٔ وصل تو کو کز سر جان برخیزم (۳۳۶)

غا:تـا کَیَم دودِ شکـایت زبیـان بـرخیزد؟(۱۲۳)

نکته ای که برتری حافظ بر غالب را اثبات می کند اینست که ما در غزل های حافظ به ردیف های دشوار برنمی خوریم، درحالی که در غزل های غالب غزل هایی با ردیف های اسمی سخت و دشوار می یابیم؛ ازجمله ی آن ردیف ها: دَمِ صبح، طرح، گستاخ، عوض، شرط، غلط بود غلط، چه حظ؟ گشته جمع، دروغ دروغ، یک طرف، تلف و... است. هرچند که برگزیدن ردیف های اسمی دشوار می تواند در صورت موفقیت شاعر معیاری برای احاطه و تسلط او در سخنوری باشد؛ ولی در بسیاری موارد، کار شاعر را به تکلّف ها، دشواری ها و پیچ و خم هایی می اندازد که خروج از آن ها به آسانی امکان پذیر نیست.

ب– تأثیر پذیری غالب از حافظ در محور واژگانی و ترکیب سازی

برای دریافتن تأثیر غالب از حافظ از نظر واژگان در آغاز واژه های مرکّب یکسان سپس واژه های مرکّب نزدیک به هم آورده می شود. سعی شده است واژه های مرکّبی مورد نظر باشد که از نظر واژگانی و زبانی به سبک شخصی حافظ شهره اند؛ مثلاً واژه های باده فروش، دُردی کش و... که از نظر بسامد با حافظ و شعر رندانه و قلندرانه پیوستگی جدایی ناپذیر دارند؛ بطوری که این ویژگی را در شعر دیگران کمتر می یابیم.

برخی واژه های مرکّب یکسان

باده فروش (حافظ، ۱۳۶۹: غ ۹، ۱۵۹، ۲۴۳، ۳۳۲، ۴۲۳، ۴۹۰ غالب، ۱۳۷۶: غ ۱۹۸) بدنام (حا:۱۱۱، ۳۴۱، ۳۹۱، ۳۶۳، ۴۶۸ غا:۲۷۷) پرده دار (حا:۶۵، ۱۷۹، غا:۱۷۱، ۳۱۶) خوشدلی(حا:۲۸۸، ۳۴۸، ۴۴۱ غا:۲۶۸) خوشگوار (حا:۲۷۵، ۲۶۲، ۴۱۴ غا:۲۵۷) دُردی کش(حا:۳۵۲ غا:۷۴) راه نشین (حا:۱۸۴، ۳۶۱، ۴۷۱ غا:۱۳۸) سبک روح (حا:۴۴۵

www.SID.ir

Archive of SID

غا:۲۳۵) شرابخانه (حا:۲۲، ۲۵۴ غا:۱۰۶) شگرخنده (حا:۱۸۰، ۲۶۸، ۴۷۵ غا:۱۰۶) شیرین حرکات (حا:۳۶۶ غا:۳۲۴) گلبانگ (حا:۳۴، ۴۳، ۱۵۴، ۴۶۰، ۴۸۶ غا:۳۰۱) مُحال اندیش (حا:۲۹۰ غا:۱۶) مُشک فشان (حا:۱۶۴ غا:۲۷۷)مشکین نفَس(حا:۴۵۵، غا:۲۸۲) نظر بازی (حا:۱۹۳، ۲۱۲، ۲۷۳، ۲۷۶، ۳۵۷ غا:۷۷) نکته دانان(حا:۲۸۶، غا:۲۷۹)

برخی واژه های مرکّب نزدیک به هم

حافظ	شماره غزل	غالب	شماره غزل
بی سرو سامان	۲۷۱، ۳۲۶	بی سرو سامانی	۳۰۱
حق ناشناسان	۱۰	حق ناشناس	۹۰، ۱۷۶
خداشناش	۱۹۵	خداناشناس	۵۴
خوش نَفَس	۴۱۴	خوش نَفَسان	۲۷۷
دُرد کشان	۹، ۲۶، ۱۱۰، ۱۳۱، ۳۴۵	دُردی کشان	۱۲۶
صُراحی در دست	۲۶	صُراحی بر کف	۲۷۸
کج دل	۳۴۶	کج اندیش	۲۸۹
نازک بدنان	۳۸۷	نازک میانان	۱۳۶، ۲۷۹

برای بازتاب تأثیر پذیری غالب از حافظ در ترکیب سازی در آغاز ترکیب های اضافی شامل: ترکیب های اضافی یکسان و نزدیک به هم و سپس ترکیب های وصفی شامل: ترکیب های وصفی یکسان و نزدیک به هم ودر پایان ترکیبات عطفی آورده شده است. پرواضح‌است‌که میزان تأثیر پذیری غالب از حافظ فراتراز پیش بینی هرخواننده ای است. چه بسا غزل یا غزل هایی را به پیروی از دیگر شاعران از جمله شاعران هندی و غیر هندی نزدیک به زمانش سروده باشد؛ ولی ناخود آگاه در واژگان و ترکیب سازی به خواجه ی شیراز، حافظ، نزدیک می گردد. در این بخش سعی بر آن بوده که ترکیب های اضافی و وصفی ویژه ی شعر حافظ، پایه و اساس کار باشند. بنابر این آن دسته از ترکیب های ساخته شده ی حافظ در زمینه های عشق، عرفان، وصف طبیعت، شخصیت های اجتماعی، طنز و... هدف بوده اند که در شعر حافظ بسامد بیشتری دارند و آشنایان به رموز سخن حافظ با یک نگاه آن ها را از سخن دیگران تمیز می دهند.

www.SID.ir

Archive of SID

برخی ترکیب های اضافی یکسان

آوازِ درا(حافظ، ۱۳۶۹: غ ۱۷۴ غالب، ۱۳۷۶: غ ۳۱۱)، اسباب طرب(حا:۴۵۴ غا:۱۱۹)، امامِ شهر(حا:۲۸۳ غا:۹۸)، تلخیِ می(حا:۴۳۴ غا:۳۰۶)، خاطر امیدوار(ایهام ساختاری)(حا:۴۵۷، ۲۵۶ غا:۱۶۶)، خرقه ی سالوس(ایهام ساختاری) (حا:۳۷۵، ۲ غا:۱۷۰)، دورِ قدح(حا:۱۳۲، ۱۳۱ غا:۱۶۵)، رشته‌ی تسبیح(حا:۲۰۶ غا:۱۳)، سَرِ خُم(حا:۴۱ غا:۳۱۷)، عهدِ شباب(حا:۹، ۱۷۰، ۲۱۲، ۴۶۶ غا:۷۵، ۳۳۳)، کافرِ عشق(حا:۲۶، ۱۲۷ غا:۹۱)، کُنجِ صومعه(حا:۲۸۵، ۴۴۶ غا:۱۳۰، ۱۷۶)، کویِ مغان(حا:۸۷، ۴۹۲ غا:۷۶)، گردشِ ساغر(حا:۲۷۶ غا:۱۱۲)، وجهِ می(حا:۲۸۵ غا:۲۲۴، ۲۸۸)، همتِ پاکان(حا:۵۷، ۲۴۶، ۴۰۳ غا:۱۶۹)

برخی ترکیب های اضافی نزدیک به هم

آیین دین زردشتی (حافظ، ۱۳۶۹: غ ۲۱۹)← آیین مغان (غالب، ۱۳۷۶: غ ۳۱۷)، (حا:بانگ بربط و نی ۳۵ ← غا:بانگ بربط و چنگ و رباب۳۰۴)، (حا:بانگ غزل ۲۵۹ ← غا:آهنگ غزل۷۶)، (حا:بانگ نوش و شادخواران ۱۰۳ ← غا:بزم شادخواران۱۹۱)، (حا:بزمگاه چمن ۱۶ ← غا:بزم باغ ۲۷۴)، (حا:بوی باده ۱۱۶ ← غا:بوی رحیق۲۳۱)، (حا:بهای می ۱۱۹ ← غا:بهای صهبا۲۴۱)، (حا:خرقه ی تقوی ۳۳۱ ← غا:دلق ورع۸۰)، (حا:طرح نو ۳۷۴← غا:طرح جهان نو ۳۲۰)، (حا:فتوی خرد ۳۱۹ ← غا:فتوای دل ۲۷۸)، (حا:فروغ رخ ساقی ۱۱۱← غا:فروغ چهره ی ساقی ۳۷)، (حا:کشف کشّاف ۴۴ ← غا:شرح کشّاف ۲۴۸)، (حا:مذهبِ پیر مغان۱۹۸ ← غا:کیش مغان ۱۲۶)، (حا:هوای میخانه ۴۲۷ ← غا:هوای شراب ۲۳۶).

برخی ترکیب های وصفی یکسان

باده ی صافی (حافظ، ۱۳۶۹: غ ۴۶۹، ۳۹۶، ۲۵۷ غالب، ۱۳۷۶: غ ۳۲)، باده ی ناب(حا:۱۱۶، ۸۴، ۱۳ غا:۲۳۶)، چشمه ی نوش(ایهام ساختاری)(حا:۳۲۲ غا:۸۰، ۲۱۰ ،

www.SID.ir

Archive of SID

۲۶۷، ۳۰۶)، حُسنِ خداداد(حا:۲۳۰، ۱۹۰، ۱۷۳، ۱۴۴، ۱۳۸ غا:۸۴، ۱۳۹، ۲۴۵)، رخِ رنگین(حا:۱۹، ۱۴ غا:۱۹۲)، رندانِ پارسا(حا:۲۷۴، ۵ غا:۳۳۲)، گدایِ ره نشین(حا:۱۲۱ غا:۱۷۸)، میِ بی غَش(حا:۲۹۸ ، ۳۲۶ غا: ۲۸)، میِ صاف(حا:۳۳۸ ، ۳۷۸، ۳۹۸ ، ۴۶۷، ۴۷۱ غا:۸۹)،میِ گلگون(حا:۳۷۶، ۴۵۸ غا:۱۲۴)، می لعل فام(حا:۷ غا:۹۴)،میِ مغانه (حا:۱۵۴ ، ۲۵۲ غا:۱۵۱)، میِ ناب(حا:۱۳، ۴۵ ، ۲۰۲، ۳۲۰، ۴۲۳، ۴۶۶، ۴۸۵ غا:۳، ۱۲۲، ۲۳۷ ، ۲۴۹)

برخی ترکیب های وصفی نزدیک به هم

(حا:اندیشه ی باطل (حافظ، ۱۳۶۹: غ ۳۰۴)← غا:اندیشه های باطل (غالب، ۱۳۷۶: غ ۲۴۱)،(حا:باده ی مُشکین ۲۳۰، ۲۴۳ ← غا:باده ی مشکبوی۳۵، می مشکبو۹۵)، (حا:چشم غم پرست ۲۹۴ ← غا:چشم غمکده ۶۱)، (حا:چشم گهربار ۱۷۸، ۲۱۳← غا:چشم گوهربار ۱۰۰، ۱۷۷)، (حا:حافظ شب زنده دار ۲۷۵← غا:زاهد شب زنده دار ۱۶۵)، (حا:حافظ خسته ۶۸، حافظ دل خسته ۹۳ ← غا:غالب رنجور خسته تن۱۹۴)، (حا:شاهد بازاری ۱۶۱ ← غا:شاهدان بازار ۶۰)، (حا:می دوشینه ۴۴۷ ← غا:باده ی دوشینه ۸، ۳۱۹)، (حا:می گُلرنگ ۲۶۳، می لعل فام، ۷ ← غا:می گُلفام ۲۵۸)، (حا:می نوشین۱۷۴ ←غا:بادهٔ نوشین ۱۸۰)،(حا:میوه های بهشتی ۲۳۹ ←غا:میوه ی فردوس ۱۶۹)

لازم به ذکر است که معیار در وصفی یا اضافی بودن ترکیب، سخن حافظ بوده است بنابراین ترکیب هایی همچون شاهدان بازار و میوه ی فردوس نیز با آن که در شعر غالب دهلوی ترکیب اضافی هستند، در بخش ترکیب های وصفی نزدیک به هم آورده شده است.

برخی ترکیبات عطفی

بربط و آواز نی (حافظ، ۱۳۶۹: غ ۳۵۱) بربط و نی (حا:۳۵۰) بربط و رَباب (غالب، ۱۳۷۶: غ ۲۸۵) بستر و بالین (حا:۱۴ غا:۲۹۶) بوس و کنار (حا:۱۶۳، ۲۶۳ غا:۳۳، ۲۲۷، ۲۷۸) رّباب و چنگ (حا:۲۴۴) چنگ و رباب (غا:۳۰۴) غزلخوان و صُراحی در دست

www.SID.ir

Archive of SID

حا:۲۶، مست و غزلخوان غا:۲۶۲، گُل و مُل (حا:۵ غا:۸۶، ۲۲۹، ۲۷۸) می و معشوق (حا:۴۶، ۱۳۵، ۲۲۳، ۴۸۰ غا:۲۱۰) ناز و عتاب (حا:۱۲۴) لطف و عتاب (غا:۵۶) ندیم و مطرب و ساقی (حا:۴۲۸ غا:۲۶۵)

بدیهی است که تنها آوردن ترکیبات و واژگان مشابه با سخن بزرگان شعر و ادب فارسی، سخن یک شاعر و نویسنده را مقبول خاطر و دلنشین نمی سازد. ترتیب واژه ها و ترکیب ها در بافت مصراع و بیت از یک طرف و بار معنایی که به مخاطبان خود القا می کند از طرف دیگر، ارزش کار شاعر و شعر او را در نزد خوانندگان تعیین می کنند. چه بسیار اتفاق می افتد که غالب در غزل هایی که به استقبال حافظ سروده توانسته دو یا سه بیت غزلش را از نظر واژگانی به شعر حافظ نزدیک سازد، ولی از آفریدن غزل تمام عیار به شیوه و سبک حافظ ناتوان است.

ج– تأثیرپذیری غالب از حافظ در محور اندیشه و عاطفه

«هندیان و ایرانیان در هزاره های پیش از میلاد سالهای بس متمادی در سرزمین واحد می زیستند و به زبانی واحد سخن می گفتند و آداب و رسوم و سنّت های یکسانی داشتند؛ در نتیجه قالب های فکریشان نیز یکی بود و این امری تصادفی نیست که «غالب» هم در قالب های ادبی و فکری، همانند همتاهای ایرانی مشهورش به طبع آزمایی پرداخته و هم شخصیت های داستانی و حماسی که در آثار او به چشم می خورد، با شخصیت های آثار مشابهی که در ایران به وجود آمده اند، یکسانست».(باقری، ۱۳۷۱: ۶۱)

میزان تأثّر غالب از حافظ در اندیشه و تفکّر نیازمند مقاله هاست، امّا در اینجا مختصراً برخی از مشترکات فکری، عرفانی، اجتماعی، عاشقانه و فلسفی آن دو ذکر می گردد تا ثابت شود که غالب دهلوی اُنسی ویژه با حافظ و شعر او داشته است که در جای جای غزل های او اندیشه ی حافظ، آشکار و پنهان به چشم می خورد. تفاوت دو شاعر در محور اندیشه و عاطفه در این است که حافظ دارای یک نوع انسجام اعجاز گونه ی ویژه ی خود است؛ به طوری که رعایت این وحدت و انسجام فراگیر در بازتاب اندیشه ها، عواطف، لذت ها، رنج ها، شادی ها و غم ها از عهده ی دیگر شاعران و

www.SID.ir

Archive of SID

مقلّدان سخن حافظ ساخته نیست. اگر در نمونه های ذکر شده ذیل بطور دقیق نگریسته شود، تفاوت سطح سخن حافظ و غالب آشکار می شود. بنابراین سخن غالب و شاعرانی همچون او دارای اوج و فرود است و ممکن است فقط تک جرقه هایی در غزل هایشان بدرخشد و لا غیر.

انتقاد از وطن

حا:سخن دانیّ و خوش خوانی نمی ورزند در شیراز
بیـا حافظ که تا خود را به مُلکی دیگر اندازیم
(حافظ، ۱۳۶۹: غ ۳۷۴)

غا:غـالب از خـاکِ کـدورت خیزِ هند دلم گرفت
اصفهـان هـی یـزد هـی شیـراز هی تبریز هی
(غالب، ۱۳۷۶: غ ۳۲۶)

تعریض به شاه نعمت الله ولی و دیگر صوفیان مدعی

حا:آنـان که خـاک را بـــه نظـر کیمیا کنند
آیـا شود کـه گـوشه ی چشمی به ما کنند؟ (۱۹۶)

غا:نکرده زر، مس خود را و بهرِ عَرْضِ فریب
بـه پیش خـلق حکـایت ز کیمیـا گـویند (۱۸۹)

شاعر ، وجه می ندارد و...

حا:ابـر آزاری بـــرآمد باد نوروز ی وزید
وجه می‌خواهم‌و مطرب‌که‌می گویدرسید؟(۲۴۰)

غا:بـی وجـه مـی آشفته و خواریم بَد امّا
در میکـده از مـا نستـــانند اگـــر مـــان (۲۸۸)

www.SID.ir

Archive of SID

غیبت عاشق از حضور در ...

حا:اگـر امام جماعت طلب کند امروز

خبر دهید که حافظ به می طهارت کرد (۱۳۲)

غا:امـام شهـر به مسجد اگر رهم ندهد

نه جای من به نیایشگه مغان خالی ست(۹۸)

تفکر خیّامی

حا:بـــده جـام مـی و از جم مکن یاد

که می داند که جم کی بود و کی کی؟ (۴۳۴)

غا:لهراسپ! کجا رفتی و پرویز! کجایی؟

آتشکـده ویرانه و میخانه خراب است(۷۱)

عاشقان شایستگی بهشت دارند

حا:فردا شراب کوثر و حور از برای ماست

و امـروز نیـز ساقی مهروی و جـام مـی (۴۲۹)

غا:یارب به زاهدان چه دهی خُلد رایگان

جورِ بُتان ندیده و دل خون نکـرده کس(۲۰۸)

نماز مستان بر جنازه ی عاشق

حا:آن دم‌که به یک خنده دهم‌جان چو صُراحی

مستـــان تـو خـواهم کـــه گـزارنـد نمـازم (۳۳۴)

غا:رحمت‌حق بادبر همدم که داند مست‌مست

بـر سر نعشم بـــه تقـــریب نمـــاز آوردنش (۲۱۱)

آشفتگی طُرّه ی دستار شاعر

حا:صوفی‌سرخوش‌از این دست که‌کج کردکلاه

به دو جـــام دگـــر آشفتـه شود دستارش (۲۷۷)

www.SID.ir

Archive of SID

حا:ساقی مگر وظیفه ی حافظ زیاده داد

کاشفته گشت طُرّه ی دستار مولوی؟ (۴۸۶)

غا:آویزش جعد از ته چادر بَرَدم دل

آشفتگی طُرّه به دستار ندانم (۲۷۲)

سختی شب های سلوک

حا:شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل

کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها؟ (۱)

حا:شب تار است و ره وادی ایمن در پیش

آتش طور کجا موعد دیدار کجاست؟ (۱۹)

غا:شبم تاریک و منزل دور و نقش جاده ناپیدا

هلاکم جلوه ی بَرقِ شراب گاه گاهی را (۳۸)

غا:هوا مخالف و شب تار و بحر طوفان خیز

گسسته لنگر کشتی و ناخدا خفته ست(۸۷)

پادشاهی شاعر در ظاهر درویشانه

حا:مبین حقیر، گدایان عشق را کاین قوم

شهان بی کمر و خسروان بی کُلَهند(۲۰۱)

غا:نرنجم، گربه صورت ازگدایان بوده ام، غالب

به دار الملک معنی می کنم فرمانروائیها(۱۴)

مقام رندان صبوحی زده

حا:به صفایِ دلِ رندانِ صبوحی زدگان

بس در بسته به مفتاح دعا بگشایند(۲۰۲)

غا:نشوی رنجه ز رندان به صبوحی کاین قوم

نَفَسِ باد سَحَر غالیه سا نیز کنند(۱۶۰)

www.SID.ir

Archive of SID

وقت باده

حا:آن زمان وقت می صبح فروغ ست که شب

گِـردِ خـرگـاهِ اُفُـق پرده ی شـام اندازد (۱۵۰)

غا:صهبـا حـلال زاهـدِ شب زنـده دار را

امّـا بـه شرط آن که همان صبحدم کشـد(۱۶۵)

زاهد، شراب کوثر و حافظ پیاله خواست

حا:زاهد، شراب کوثر و حافظ، پیاله خواست

تـا در میـانه خواسته ی کردگار چیست؟ (۶۵)

حا:زاهد اگر به حور و قصورست امیدوار

ما را شرابخانه قصـورست و یـار حـور (۲۵۴)

غا:می‌به زُهّاد مکن عرض‌که این‌جوهر ناب

پیش این قوم بـه شورابه ی زمزم نـــرسد(۱۴۷)

داغداری عاشق و شقایق

حا:ای گل تو دوش داغ صبوحی کشیده ای

مـــا آن شقـــایقیم که با داغ زاده ایم (۳۶۴)

غا:چمن طراز جنونیم و دشت و کوه از ماست

به مهـر داغ شقایق بود قباله ی مـــا (۲۸)

د– تأثیرپذیری غالب ازحافظ در محور تصویرسازی و زیبایی های ادبی

از نظر پیروی غالب از حافظ در بهره گیری از آرایه ها و زیبایی های بدیعی و بیانی به جرأت می توان ادّعا نمود که هرچند غالب خواسته پا جای پای حافظ گذارد، ولی شعر و سخن او، زیبائی، خیال انگیزی و تصویر های زیبای حافظ را ندارد. با این وجود مشابهت هایی از نظر بدیعی و بیانی در غزل آن دو به چشم می خورد. «اوج هنر او، چنانکه یاد کردیم، مثل همه شاعران سبک هندی در غزل است با استعاره‌ها و کنایه‌ها و

www.SID.ir

Archive of SID

تصویرهای کوچک و اغلب زیبا و بدیع که اگر جانب اعتدال در آن رعایت شود». (شفیعی کدکنی،۱۳۴۷:۲۷) چنانکه خود گوید:

سخن ساده دلم را نفریبد غالب! نکته‌ای‌چند زپیچیده‌بیانی بمن‌آر(غالب،۱۳۷۶:غ ۱۹۶)

برخی از تصویرسازی ها وزیبایی های بدیعی و بیانی مشابه در غزل دو شاعر عبارتند از:

اغراق و غلوّ در اشکباری عاشق

حا:سینه گو شعله ی آتشکدهٔ فارس بکش دیـده گـو آب رخ دجله ی بغداد ببر

(حافظ، ۱۳۶۹: غ ۲۵۰)

غا:غالب سرشک چشم تو عالم فرو گرفت موجی ست دجله را که به بغداد می زند

(غالب، ۱۳۷۶: غ ۱۴۹)

ایهام

حا:جز این قَدَر نتوان گفت در جمالِ تو عیب

که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را (۴)

حا:پدر تجربه ای دل تویی آخر ز چه روی

طمع مهر و وفا زین پسران می داری؟ (۴۵۰)

غا:نخواهد بود رسم آنجا به دیوان داوری بردن

گرفتم کشورِ مهر و وفا را داوری باشد (۱۵۳)

ایهام و ایهام تناسب

حا:قلب اندوده ی حافظ برِ او خرج نشد

کاین معامـــل به همه عیب نهان بینا بود (۲۰۳)

حا:دل دادمش به مژده و خجلت همی برم

زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست (۶۰)

غا:فغان ز خجلت صرّاف کم عیار که ناگه

بـر آورند زر قلب از دکانش و لـــرزد (۱۳۳)

www.SID.ir

Archive of SID

دلیل عکس

حا:حاشا که من به موسم گُل، ترک می کنم

من لاف عقل می زنم این کار کی کنم؟ (۳۵۱)

غا:به کوثر از تو که را ظرف بیش قسمت بیش

به باده خُوی کنم، عقل دوربین دارم (۲۶۴)

طنز یا استعاره ی تهکّمیّه

حا:راز درون پـــرده ز رنـدان مست پـرس

کـاین حال نیست زاهد عالی مقام را (۷)

غا:حدیث می به دف و چنگ در میان داریم

کنون که کار به شیخ نهفته دان افتاد (۱۱۷)

تشبیه صوفی و شیخ به حیوان

حا:صوفی شهر بین که چون لقمه ی شبهه می خورد

پـــاردمش دراز باد آن حَیَوان خوش علف (۲۹۶)

غا:از حـــد گـــذشت شمله ی دستار و ریش شیخ

حیـران ایـــن درازی یـــال و دُمیـــم مـــا(۲۱)

تشبیه مضمر تفضیل و تشخیص

حا:نرگس طلبد شیوه ی چشم تو زهی چشم

مسکین خبرش از سر و در دیده حیا نیست (۹۶)

غا:چون لعل توست غنچه، امّا سخن نداند

چون چشم توست، نرگس، امّا حیا ندارد(۱۴۸)

تشبیه چرخ و اختران به عیّاران

حا:تکیه بر اختر شب دزد مکن کاین عیّار

تاج کاووس ببرد و کمر کیخسرو (۴۰۷)

www.SID.ir

Archive of SID

غا:عشوه ی مرحمتِ چرخ مخر کاین عیّار

یوسف از چاه برآرد که به بازار بَرَد (۱۵۵)

در پایان برخی از ترکیب های تشبیهی و استعاری یکسان و نزدیک به هم ذکر می شود. ممکن است در برخی ترکیب های غالب، ترکیب تشبیهی یا استعاری نباشد مانند «اشک دمادم»ولی از آنجا که معیار ترکیب ساخته شده ی حافظ بود (سیل دمادم) بنابراین این دو ترکیب در کنار هم آورده شده است. در برخی ترکیب ها نیز اندک تفاوت در نوع استعاری و تشبیهی آن ها مشاهده می شود مثلاً ترکیب «یاقوت مذاب» در شعر حافظ استعاری و ترکیب «یاقوت باده» در شعر غالب تشبیهی است.

برخی ترکیب های تشبیهی و استعاری یکسان

پرده ی پندار (حافظ، ۱۳۶۹: غ ۱۷۸ غالب، ۱۳۷۶: غ ۵)، تنورِ لاله(حا:۱۷۵ غا:۳۳)، (حا:جام عقیق ۱۶۴ ← غا:جام عقیق۲۳۱)، دیرِ کُهَن(حا:۴۳ غا:۸۹)، رخِ گُل(حا:۳۸۸ غا:۸۱)، رگِ جان(حا:۳۴۱ غا:۳۰۱)، زلفِ سخن(حا:۱۸۴ غا:۲۹۲)، شاخِ نبات(حا:۳۹، ۱۸۳ غا:۳۰۰)، شبِ زلف(حا:۳۲۲ غا:۱۹۴)،شهِ خوبان(حا:۱۲۱ غا:۱۰۴)، طُرّه ی شمشاد(حا:۱۴۴ غا:۱۲۵)، طوفانِ بلا(حا:۸۲، ۲۵۰ غا:۵۸)، قافله ی عمر(حا:۱۵۶ غا:۲۱۲)، لعلِ شکرخا(حا:۳ غا:۳۲۱)، ناله ی چنگ(حا:۱۰۱، ۲۹۲ غا:۲۳۶)

برخی ترکیب های تشبیهی و استعاری نزدیک به هم

آیینه ی ادراک← (حافظ، ۱۳۶۹: غ ۲۶۴)، آیینه ی اوهام (حافظ، ۱۳۶۹: غ ۱۱۱) آیینه ی خیال (غالب، ۱۳۷۶: غ ۱۲)، (حا:اساس توبه۲۵ ← غا:اساس وفا۳۱۶)، (حا:بدعهدی گل ۳۷۱ ← غا:بی وفایی گل۱۰۲)، (حا:پیر خِرَد ۲۰۷← غا:خِرَد پیر۷۶)، (حا:دیر شش جهتی ۲۹۹ ← غا:طلسم شش جهت ۶۳)، (حا:سیل دمادم ۲۹، ۳۱۷← غا:اشک دمادم ۱۴۷)، (حا:کیمیای عزّت ۴۸۹ ← غا:اکسیر بی نیازی ۱۱۶)، (حا:ناوک

www.SID.ir

Archive of SID

دلدوز۳۳۹ ← غا:دلدوز ناوک ۳۱۰)، (حا:نَفَسِ باد صبا ۱۶۴ ← غا:نَفَسِ باد سَحَر ۱۶۰)، (حا:یاقوت مذاب ۴۲۳ ← غا:یاقوت باده ۱۵۱).

نتیجه

بنابرآنچه‌که به اختصار ذکر شد در می یابیم که غالب بیش از آنکه به نازک‌خیالی ها و مضمون سازی های سبک هندی توجه داشته باشد، شعر حافظ را سرمشق خود قرار داده و یکی از شاعرانی است که زمینه ی سبک بازگشت ادبی را فراهم کرده است. بسامد واژگان و ترکیب سازی ها، وزن و موسیقی اشعار، عاطفه و اندیشه و تصویرسازی و زیبایی های ادبی، همه مؤیّد این مطلب است که غالب بیش از آنکه به شاعران سَلَف خود در سبک هندی توجه داشته باشد، به حافظ و شعر او توجه داشته است. به جرأت می توان ادّعا نمود که هیچکدام از مقلّدان حضرت حافظ نتوانسته اند از جهات گوناگون مانند: انتخاب واژگان تراش خورده، موسیقی بیرونی و آهنگ کلام، ترکیب سازی ها و تصویر آفرینی های دلاویز، اندیشه ها و تفکّرات چند جانبه، پیوند ایهام و طنز و دیگر لطایف و ظرایف بدیعی و بلاغی به ساحت قُدْسی حافظ و شعر او نزدیک شود. غالب دهلوی نیز که یکی از شیفتگان مکتب این رند عالم سوز است، گرچه یگانه ی روزگار خویش است، امّا دو شیوه ی غزل فرسنگ ها با حافظ فاصله دارد.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

۱- المغنی، عبد(۱۳۸۰) **غالب و شعر فارسی**، مترجم: محمّد کیومرثی، نامه ی پارسی، شماره اول، صص ۱۷۰- ۱۶۴.

۲- باقری، مهری(۱۳۷۱) **ملاحظاتی درباره ی جهان بینی ادبی (غالب)** ، قند پارسی، شماره ۵، صص ۶۶- ۶۱.

۳- جان نثاری، ناصر(۱۳۷۸)**اندیشه های عرفانی در شعر غالب دهلوی**، کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۱، صص ۲۷- ۲۴.

۴- حافظ شیرازی، شمس الدین محمّد(۱۳۶۹)**دیوان**، به تصحیح محمّد قزوینی و قاسم غنی، چاپ اول، تهران: انتشارات زوّار.

۵- دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۳) **لغت نامه**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۶- دیوان بیگی شیرازی، سیّد احمد(۱۳۶۵) **حدیقه الشعرا**، چاپ اول، تهران: زرّین.

۷- سحر کاکوروی، منشی احمد حسین(۱۳۸۵)**طور معنی**، مقدّمه و تصحیح و تعلیق رئیس احمد نعمانی، چاپ اول، دهلی نو: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.

۸- شفیعی کدکنی، محمّد رضا(۱۳۴۷)**شعر پارسی در آنسوی مرزها**، هنر و مردم، شماره ۶۹، صص ۲۹- ۲۴.

۹- شمیسا، سیروس(۱۳۷۵) **فرهنگ عروضی**، چاپ سوم، تهران: فردوس.

۱۰-غالب دهلوی، اسد الله بن عبدالله، (۱۳۷۶) **دیوان غالب دهلوی**، به اهتمام محسن کیانی، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.

۱۱- ---------- (۱۳۸۱)**سومنات خیال**، مقدّمه، تصحیح و تحقیق محمّد حسن حائری، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۲-----------(۱۳۷۱) **میخانه ی آرزو**، به کوشش محمد حسن حائری، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

۱۳-قاسمی، شریف حسین(۱۳۸۷/۸/۱۵) **ویژگی های ادب فارسی در عصر غالب**، مترجم: پروانی، عبدالرحیم، ***www.khawaran.com***

۱۴-مؤذّنی، علی محمّد(۱۳۸۱)**عوامل مهم نفوذ و گسترش زبان فارسی در شبه قاره**، قند پارسی، شماره ۱۷، صص ۱۴۲- ۱۳۶.

www.SID.ir